

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Political

سیاسی

یونس نگاه

۲۲ جولای ۲۰۲۴



یونس نگاه

واصف باختری استاد بزرگ شعر و روشنفکر ترسو و ناامید

واصف باختری شاعر بزرگ و ادیب کم‌جوره بود. تقریباً همه آنانی که با ادبیات و شعر معاصر افغانستان آشنايند، می‌گویند باختری سرآمد بود و به استادی‌اش اعتراف دارند. باختری اما شخصیت دیگری هم داشت. او در دوره بسیار پرطالتم زندگی می‌کرد و شاعر سیاسی بود. سیاست بخش مهم زندگی او بود. او چه زمانی که عضو یک گروه سیاسی بود و شعرهای عریان سرخ و سازمانی می‌سرود، چه زمانی که از فعالیت سازمانی بریده و شک و اندوه سیاسی‌اش را می‌سرود و چه زمانی که به سمبولیزم گرویده و از سیاستمداران و وضعیت سیاسی با زبان استعاره‌ی شکوه می‌کرد، همیشه شخصیت سیاسی بود. شخصیت بسیار مهم سیاسی که دوستان و مخالفانش او را به دقت زیر ذره‌بین داشتند.

این بخش شخصیت باختری بر زندگی هم‌عصران و هم‌وطنانش بسیار بیشتر از جنبه فرهنگی و هنری او اثر گذاشته است. این اثر اما، با درد، منفی و پرهزینه بوده است. او سرقافله روشنفکران مسؤولیت‌گریز و ناامید شده بود. آه و ناله او به قلم و زبان صدها نویسنده، ادیب و سیاستمدار عزلت‌گزین و مسؤولیت‌گریز سرایت می‌کرد. دوروبر و صاف باختری قشری کلان‌کار و کلان‌گوی، اما سازشکار و نالانی جمع شده بود که به همدیگر جان جان و استاد استاد می‌گفتند، ولی در برابر جنایات جاری سیاسی و نادان‌های چپ و راست حزبی جبهه نمی‌گرفتند و به بیان اشعار سمبولیک و کنایه‌های ادیبانه دل‌خوش می‌کردند.

واصف باختری شهامت شاملو را نداشت، تعهد اجتماعی سرور و صاف و بزرگی سیاسی حیدر لہیب را نداشت. او زندگی طولانی و بدموز را به عمر تابنده و امیدآفرین ترجیح داد. او مسؤولیت اجتماعی-سیاسی‌اش را جدی نگرفت و متأسفانه در اندوه، سکوت و سمبولیزم سرنهاد و عمر عزیزش را با اشک و پشیمانی به پایان برد.

در وضعیت زشت امروز تنها حفیظ‌الله امین و ملاهبت الله و رهبران جهادی مقصر نیستند. آنانی که می‌دانستند و می‌توانستند ولی سکوت کردند و عزلت گزیدند نیز تقصیر دارند. تقصیر بزرگانی چون و صاف بسیار سنگین است. او

ادیب بزرگ ولی روشنفکر ترسو و کم‌مایه بود. او و امثالش با جبهه‌نگرفتن علیه بیداد و ناپستادن کنار مردم به ملت خود خیانت کردند.

واصف باختری استاد ناامیدی بود. او نماد روشنفکران ناامید و شکسته خورده بود. شکست بخشی از زندگی است، ولی کسی که بعد از شکست بر نمی‌خیزد و ادامه حیاتش را به ناله و ترویج نوحه‌سرائی صرف می‌کند، انسان مسؤل نیست. واصف باختری، روح یک قشر بزرگ روشنفکری افغانستان بود. روح شکسته و تسلیم‌شده. این روح را باید نقد کنیم. اگر وطن و مردم خود را دوست دارید و ادعای نویسندگی و روشنفکری و هنرمندی و سیاست‌مداری می‌کنید در این روزگار طالبانی آن روحیه مخرب روشنفکرانه را در خود و اطرافیان خود نقد کنید. با تمجید بیش‌ازحد و انگشت نگذاشتن به نقش مخرب سیاسی رهبران و بزرگان ما، میدان به روی ملامت‌الله‌ها باز خواهد ماند. شاعر و ادیب و سیاست‌مداری که در صف ترقی‌خواهی و روشنگری می‌ایستد حق ندارد ناامیدی را تبلیغ کند. تبلیغ ناامیدی مسؤولیت‌گریزی است، و اگر از حد بگذرد و به جان قشری ساری شود، خیانت است.